

عبا چامیر انتظام

رفراندم چرا و چگونه؟



پیرو بیانیه مورخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۱ در خصوص برگزاری رفراندم و در جهت شفاف‌سازی هرچه بیشتر مواضع و دیدگاههای خود و با هدف بهره‌مندی از نظریات اندیشمندان و فرهیختگان، علاقمندان، جوانان و امکان بر

قراری گفتگو بین اقشار مردم و جریانهای اجتماعی سیاسی، فرهنگی، توضیحات تکمیلی زیر در رابطه با پیشنهاد رفراندم (همه‌پرسی) را تقدیم می‌دارد.

الف I - چرا رفراندم (همه‌پرسی)؟

رفراندم یک شیوه و روش مراجعه به آراء عمومی و اعمال دموکراسی مستقیم در جهت شناسائی و حق تعیین سرنوشت و احترام به حق حاکمیت مردم میباشد. این حق در بیشتر اسناد بین المللی همچون منشور سازمان ملل - اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملتها، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی، پروژة قوانین و حقوق عام مربوط به آزادی و عدم تبعیض در زمینه حقوق سیاسی، منشور حقوق و تکالیف اقتصادی، قطعنامه های سازمان ملل، رویه دولتها و قوانین اساسی ملل متمدن، افکار عمومی، نهادهای جامعه مدنی جهانی، به رسمیت شناخته شده است.

ب II - ضرورت مراجعه به همه‌پرسی؟

مفهوم ابدی از قوانین بشری وجود ندارد و مردم پیوسته حق دارند قانون اساسی خود را مورد بازنگری قرار داده و یا آنرا اصلاح کرده یا کلاً تغییر دهند. هیچ نسلی نمیتواند نسلهای بعدی خود را ملزوم و تابع قوانین خود سازد. (اصل ۲۸ اعلامیه حقوق بشر و شهروند) ۲۴ ژوئن ۱۹۷۳ و نیز سخنان آقای خمینی در بهشت زهرا سال ۱۳۵۷. ملت ایران به دنبال انقلاب سال ۱۳۵۷ از طریق رفراندم ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ حق طبیعی و مشروع خود در انتخاب نظام سیاسی و حق تعیین سرنوشت را به اجرا گذاشت. با گذشت بیش از ۲۴ سال از آن حضور تاریخی، بافت جمعیتی ایران بکلی دگرگون شده و نسل جوان آگاه و هوشمند و علاقمند به حاکمیت ملی اکثریت جمعیت ایران را تشکیل میدهند. این سرمایه عظیم انسانی و پشتوانه مستحکم حاکمیت ملی در وعده گاه تاریخی ۱۲

فروردین ۱۳۵۸ حضور نداشت. از طرف دیگر شرکت کنندگان در رفراندم سال ۵۸ تجربه و شناخت امروز خود از ظرفیتهای و قابلیتهای قانون اساسی ۱۳۵۸ را نداشتند. از اینرو مراجعه به همه‌پرسی در راستای احترام به حق حاکمیت مردم و فراهم کردن زمینه‌های مشارکت فعال مردم در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است و توان و قابلیت‌های ملی را برای ایجاد همبستگی بیشتر و تقویت پایه‌های حاکمیت ملی بسیج نموده، تمامیت ارضی، استقلال و یکپارچگی کشور ایران را در مقابل عوامل تهدید کننده و آسیب رسان بیمه میکند.

پ III - چرا امروز (اکنون)؟

۱ - مردم ایران و بخصوص نسل جوان که حضور فعال آن در زندگی سیاسی موجب شادابی و پویائی جامعه میباشد و حتی مقامات و مسئولان



نظام با بیانات و به شیوه های مختلف ضرورت انجام اصلاحات عمیق و سازنده برای رفع مشکلات اساسی جامعه و رفع موانع توسعه پایدار مستمر را مورد تاکید قرار داده‌اند. از آنجا که کارشناسان، صاحب نظران و نظریه پردازان مسائل اجتماعی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نسبت به قابلیت و توانمندی ساختار سیاسی و نهادهای تعریف شده در قانون اساسی، نظرات متفاوتی ارائه داده و تعدادی از کارشناسان حل بحرانهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی موجود را در توسعه سیاسی، فرهنگی جامعه دانسته و مردم هوشمند ایران بعد از حضور فعال در چندین انتخابات با عدم استقبال از انتخابات شورای شهر نارضایتی و عدم اعتماد خود نسبت به روند اصلاحات هدایت شده بعد از جنبش دوم خرداد را آشکار نموده‌اند.

۲ - شرایط حساس منطقه که اتکای هرچه بیشتر حاکمیت به آراء، رضایت و اراده مردم و از بین بردن شکاف بین حکومت و مردم (که محلی برای حضور و مداخله عوامل آسیب رسان به استقلال کشور میباشد) را به یک ضرورت مبرم تبدیل نموده است.

۳ - شرایط مساعد جهانی و حضور فعال افکار عمومی در دفاع از مردم سالاری، صلح جهانی، مقابله با خشونت و تروریسم و پشتیبانی از حاکمیت مردم در مقابل هر گونه مداخله خارجی فرصت تاریخی برای اثبات قابلیت‌ها، توانمندیها و استعداد ملت ایران برای ارائه یک الگوی ملی در تقویت بنیانهای دموکراسی (در

امکان مشارکت همه مردم در زندگی اقتصادی و توزیع عادلانه فرصتها به تناسب نیازها و شایستگی ها
جزئیات نظام مردم سالار توسط نمایندگان مردم در قانون اساسی
تدوین و توسط مردم تصویب خواهد شد.

ث) V - برگزاری همه‌پرسی با نظارت سازمان ملل؟

ملت هوشمند و سربلند ایران از توانائی و تجربه سیاسی لازم برای اداره کلیه امور خود و از جمله برگزاری همه پرسی برخوردار میباشند. بنابراین بنظر میرسد که هیچ مانع حقوقی و اجرائی برای برگزاری همه پرسی در سطح ملی وجود ندارد. با این وجود استفاده از امکانات، تجارب و اعتبار سازمان ملل برای برگزاری هر چه بهتر و باشکوه تر، سالم تر و آزادتر، همه پرسی تاریخ ساز، میسر خواهد بود.



اعتبار جهانی این همه پرسی را تضمین خواهد نمود. سازمان ملل کمک به برگزاری انتخابات و نظارت بر آن را بخشی از عملیات پاسداری از صلح تلقی میکند. همانطور که آقای کوفی عنان در گزارش شماره (A/۵۵۱۹۸۵-S/۲۰۰۱/۵۴۴) به شورای امنیت اظهار نموده است.

سازمان ملل از زمان تاسیس خود برای ارتقا ظرفیتهای اداری - اجرائی دولتهای عضو در برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه، شفاف و معتبر و تقویت نهادهای دموکراتیک - که بیش از ۱۵۰ انتخابات بر گزار شده - در کشورهای مختلف ایفای نقش نموده است.

از نظر دبیرکل سازمان ملل توسعه پایدار تنها زمانی محقق میشود که مردم بطور آزادانه و بصورت موثر در فرآیند تصمیم گیریها، فعالانه مشارکت نمایند.

ج) VI - ماهیت این همه‌پرسی (همه‌پرسی مشورتی - همه‌پرسی تصویبی)

معمولا همه پرسی در دو مرحله و به صورت همه پرسی مشورتی و تصویبی بر گزار می گردد. مرحله اول همه پرسی جهت شناسائی اراده واقعی مردم نسبت به اعمال حاکمیت میباشد. در این مرحله پاسخ با آری و نه مشخص میگردد. این مرحله را همه پرسی مشورتی می خوانند. چنانچه اراده ملت ایران بر عدم استمرار نظام موجود تعلق بگیرد، در آن صورت میبایستی در فرصت مناسب و

بقیه در صفحه ۱۲

منطقه و کاهش حضور و مداخله نیروهای فرا منطقه برای تاثیر گذاری در تصمیم سازیها را فراهم آورده است.

بنابراین برگزاری رفراندم، فرصتی تاریخی برای ملت ایران میباشد که با تکیه به ارزشهای فرهنگی و دست آوردهای تاریخی، مناسبترین الگو برای تحکیم حاکمیت ملی خود را فراهم آورد. همچنین ایجاد امکان همگرایی منطقی در راستای منافع ملی با حاکمیتهای دیگر و تقویت جایگاه سازمان ملل در ایفاد مسئولیت خود از دیگر اولویتهای میباشد. هر تاخیری در پاسخگویی مناسب و منطقی به این ضرورت تاریخی جز تحمیل هزینه سنگین به ملت ایران و مردم منطقه، نتیجه دیگری در بطن نخواهد داشت.

ت) IV - موضوع همه پرسی؟

از آنجا که برگزاری همه پرسی برای حل مشکلات اساسی جامعه و برداشتن موانع توسعه کشور و تقویت حاکمیت مردم است، لذا پرسش اصلی باید به قدر لازم، دقیق طراحی نمود تا با پاسخ آری یا نه اراده مردم جهت گیری خود را آشکار نماید. از اینرو و همانطوریکه قبلا اعلام شده است دو سوال اصلی به همه پرسی گذاشته میشود:

- ۱- آیا با استمرار نظام جمهوری اسلامی موافق هستید؟ [نه] [آری]
 - ۲- آیا با استقرار یک نظام مردم سالار موافق هستید؟ [نه] [آری]
- ویژگیهای اصلی نظام مردم سالار عبارتند از:

- ۱ - تضمین حق حاکمیت واقعی مردم
- ۲ - تضمین کامل آزادی انتخابات مردم
- ۳ - تبعیت کامل حکومت از اراده مردم در کلیه سطوح
- ۴ - تضمین پاسخ گویی همه مسئولان در مقابل مردم
- ۵ - تضمین نظارت موثر و کامل و مستمر مردم بر عملکرد نهادها و مسئولان
- ۶ - تضمین برابری واقعی مردم در مقابل قانون و رفع کلیه اشکال (تبعیض)
- ۷ - استقرار یک نظام قضائی (کار آمد، مستقل و بی طرف) عدالت گستر و تبعیض ستیز
- ۸ - تضمین آزادی بیان، اندیشه و مطبوعات
- ۹ - تضمین رعایت حقوق بشر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر و موازین بین المللی
- ۱۰ - تضمین اصل تفکیک قوا
- ۱۱ - تضمین دفاع و حمایت از منافع ملی
- ۱۲ - طراحی و مهندسی یک نظام اقتصادی متناسب با استعدادها و امکانات و منافع ملی، توزیع عادلانه کار و ثروت، فراهم کردن

با تلویزیون نگاهداری می شود و مقامات قضایی و شکنجه گران از "گل نازکتر به وی نگفته اند".

گزارشگران بدون مرز یادآور می شود که وب نگاران دستگیر شده به طور منظم در زندان مورد شکنجه قرار گرفته اند از جمله شهرام رفیع زاده با همان روش های متداول شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی با کابل شلاق خورده است.

بیست و پنجمین

سالگرد زندان عباس

امیرانتظام

با فرارسیدن روز ۲۷

آذر بیست و پنجمین



سالگرد زندان عباس امیرانتظام که طولانی ترین زندان را در جمهوری اسلامی تحمل کرده است، بار دیگر خاطره یکی از دردکشیده ترین همراهان انقلاب گشوده می شود.

عباس امیرانتظام سخنگوی دولت موقت و معاون مهندس مهدی بازرگان تشکیل دهنده اولین دولت بعد از سقوط رژیم پادشاهی، در زمانی که به عنوان سفیر جمهوری اسلامی در اسکانداوناوی خدمت می کرد برای "پاره ای از مشورت های سیاسی" به تهران فراخوانده شد و از فردای آن روز به بازداشت درآمد و در دادگاه انقلابی به عنوان جاسوسی برای بیگانگان به حبس ابد محکوم شد.

پای پیاده بسوی تهران

به دنبال عدم پرداخت

حقوق ۷ ماه کارگران "

نساجی پارس ایران" این

کارگران با پای پیاده از

رشت به تهران خواهند



آمد. بنابر گزارش، کارگران معترض "نساجی پارس ایران"، به دنبال عدم دریافت ۷ ماه حقوق به خانه کارگر استان گیلان مراجعه کرده و مراتب اعتراض خود را به گوش مسولان و نمایندگان کارگری این استان رساندند. "نساجی پارس ایران" در حال حاضر به دلیل قطع برق یک ماه است تعطیل شده و هیچ گونه مواد اولیه ای در داخل کارخانه موجود نیست.

زندانیان سیاسی و بیماریهایی که بر

اثر شکنجه و آزار مبتلا می شوند

با توجه به اخباری که در رابطه با

موارد بیماری زندانیان سیاسی در ایران



فرآیندی تازه "توا ۶ سازی"؟

چهار تن از روزنامه

نگارانی که در جریان

پرونده معروف به

سایت های اینترنتی

بازداشت شده بودند، در

نشستی خبری در پاسخ



به سوالات خبرنگاران خبرگزاری فارس و واحد مرکزی خبر، بار دیگر تاکید کرده اند که در زمان بازداشت، با آنها هیچ بد رفتاری نشده است. روزبه میرابراهیمی، شهرام رفیع زاده، امید معماریان و جواد غلام تمیمی، روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه، در پی شکایت نیروی انتظامی از رجبعلی مزروعی، پدر حنیف مزروعی، یکی دیگر از بازداشت شدگان این پرونده، به عنوان شاهد در دادگاه حاضر شدند و اعلام کردند که بازداشت و بازجویی از آنان به صورت قانونی و بدون هیچ بد رفتاری صورت گرفته است.

هر چهار روزنامه نگاری که به عنوان شاهد به دادگاه فراخوانده شده اند، پیش از این، با انتشار نامه هایی، تمامی اتهامات مطرح شده از سوی دستگاه قضایی علیه خود را پذیرفته بودند.

با وجود این، نه تنها فعالان و مدافعان حقوق بشر در داخل و خارج از کشور، بلکه اصلاح طلبان درون حاکمیت نیز چنین توبه نامه هایی را بی اعتبار خوانده و تاکید کرده بودند که اقرار بازداشت شدگان علیه خود، تحت فشارهای جسمی و روانی صورت گرفته و فاقد هرگونه ارزشی است.

مضحک ی دستگاه قضایی

گزارشگران بدون مرز با محکوم کردن

تحت فشار نهادن علنی و واضح وب

نگاران از سوی مسئولان قضایی - امنیتی،



در این باره اعلام کردند " این نمایش های مضحک و شرم آور را مسئولان رژیم به خیال فریب افکار عمومی داخلی و خارجی و به ویژه نهادها بین المللی مدافع حقوق بشر به راه انداخته اند. اما این "اعترافات" اغراق آمیز و ناشیانه خود دلیل وجود بد رفتاری و شکنجه همکاران ماست "

در به اصطلاح کنفرانس مطبوعاتی سازمان داده شده در محل خبرگزاری وابسته به دستگاه قضایی، این چهار روزنامه نگار اعلام کردند که در دوران بازداشت خود با آنها خوش رفتاری شده است. جواد غلام تمیمی حتا اضافه کرد که در اتاقی ۳۰ متری و

کشور خاتمه دهد، این اتحادیه روابط سیاسی و اقتصادی خود را با ایران گسترش می‌دهد.

تشدید سانسور و ممیزی کتا ۶



تعدادی از ناشران، در نامه‌ای به اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، نسبت به تشدید ممیزی کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعتراض کردند. این نامه دو بخش دارد و خیلی خلاصه در حد دو سه جمله است که از سوی اکثر ناشران خطاب به اتحادیه نوشته شده است.

دبیر اجرایی اتحادیه درباره اقدام این اتحادیه در پی نامه گفت: فعلا نامه به دستمان رسیده است و باید ببینیم چه می‌شود کرد. وی در پاسخ به اینکه آیا اینگونه اقدامات با توجه به مشکل کاغذ در ماه‌های اخیر می‌تواند در صدد رساندن نشر به بن‌بست و تعطیلی تدریجی آن باشد؟ گفت: به هر حال اگر این اقدام عامدانه و عالمانه هم نبوده باشد، نتیجه‌اش همین شده است.

طنا ۶ دار یا سنگسار

خبر حکم اعدام حاجیه اسماعیل وند رسمی شد. آن چه تا کنون به نقل از تشکیلات و فعالان سیاسی و حقوق بشری ایران عنوان می



شد، توسط یک مسئول قضایی جمهوری اسلامی تایید شد. خبرگزاری رویتر موفق شد این نقل قول را از یک مسئول قضایی ایران که نخواست نامش فاش شود بگیرد که دیوان عالی کشور حکم اعدام حاجیه اسماعیل وند را تایید کرده است ولی هنوز نگفته که این دختر ۲۲ ساله اهل جلغا که متهم به زنا شده است باید به دار آویخته شود یا سنگسار گردد. همان مسئول قضایی ایران به خبرنگار رویتر در تهران گفت مدت حبس خانم اسماعیل وند که از چهار سال پیش شروع شده حداکثر تا ماه آینده برای اجرای حکم اعدام او به پایان می‌رسد. او افزود اما هنوز دستور اجرای حکم داده نشده و مسئولان تنها در انتظار این هستند که بدانند آیا باید حاجیه اسماعیل وند را با طناب دار و یا از طریق سنگسار اعدام کنند.

و ادامه نامه توبه نوشتن برخی از روزنامه‌نگاران زندانی شده منتشر می‌شود، سازمانهای مدافع حقوق بشر نگران جان زندانیان سیاسی ایران‌اند. با وجود آنکه زندانبانان همواره تلاش می‌کنند که خبری از درون زندانها به بیرون نرسد، اما فشار بر زندانیان سیاسی و بیماریهایی که به آن بر اثر شکنجه و آزار مبتلا می‌شوند، بر آنانکه بیرون زندان اند و دل‌نگران مدافعان زندانی شده آزادی حقوق بشرند پوشیده نمی‌ماند. از آخرین خبرهای رسیده بستری شدن ناصر زرافشان، وکیل دادگستری و عضو کانون نویسندگان ایران، است که هم اکنون به علت بیماری شدید کلیوی در درمانگاه زندان اوین به سر می‌برد. ناصر زرافشان از وکیلان خانواده‌های قربانیان قتل‌های سیاسی موسوم به زنجیره‌ای است که به خاطر افشاگریهای خود در زندان است.

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران در اطلاعیه‌ای که امروز منتشر کرده هشدار داده است که جان زندانیان سیاسی ایران در خطر است. در این اطلاعیه در کنار ناصر زرافشان به دیگر زندانیان سیاسی‌ای چون حسن یوسفی اشکوری، نویسنده و روزنامه‌نگار، اکبر گنجی، روزنامه‌نگار، اکبر و منوچهر محمدی، دو برادر دانشجو، رضا علیجانی، تقی رحمانی و هدی صابر، سه نویسنده اصلاح طلب اشاره شده که همگی به خاطر شکنجه‌های جسمی و روحی بیمار هستند.

تروریسم و نقض حقوق بشر

سران بیست و پنج کشور عضو اتحادیه اروپا در نشست خود که در مقر این اتحادیه در بروکسل، پایتخت بلژیک تشکیل شد،



علاوه بر بررسی و تأیید توافقنامه دولت‌های بریتانیا، فرانسه و آلمان بر سر مسائل اتمی با جمهوری اسلامی، گسترش مناسبات تجاری- اقتصادی با ایران را موکول به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران کردند. همچنین از جانب این اتحادیه با ایران امضا کرده اند اعلام حمایت کردند.

بموجب گزارش کلیه خبرگزاریها از محل این نشست در پیش نویس بیانیه پایانی این نشست قید شده است که اگر جمهوری اسلامی دست از حمایت از تروریسم بکشد، در مسائل مربوط به لبنان و فلسطین دخالت نکند و به نقض حقوق بشر در داخل این

عمادالدین باقی ، محمد سیف‌زاده ، محمدعلی دادخواه ، عیسی سحرخیز و امیر معماریان اعتراض شده است.

همچنین در بخش دیگری از این گزارش ضمن اعتراض به عدم پیشرفت تقنینی یا اجرایی در حقوق زنان و کودکان و صدور حکم اعدام برای اطفال زیر ۱۸ سال آمده است : علیرغم وجود مصراحت قانونی ، مسوولین از جمع‌آوری و اسکان زنان و کودکان بی‌سرپرست و متکدیان از خیابان‌های تهران خودداری نموده تا جایی که در هوای بسیار سرد پاییزی بر حسب آمار رسمی تا به حال حدود ۵۰ نفر جان می‌سپارند . اظهار نظرهای اساتید اقتصادی حاکی از تبعیض شدید اقتصادی در بین طبقات مختلف مردم ایران داشته و این اظهارنظرها حکایت از آن دارد که بیش از ۸۰ درصد مردم ایران در زیر خط فقر زندگی می‌نمایند . اعتیاد به مواد مخدر و الکل ، رواج فحشا و ازدیاد آمار طلاق و کودک آزاری ، صاحب نظران اجتماعی و روانشناسی را نگران نموده تا جایی که سن اعتیاد به این دو بلای خانمان‌سوز پایین آمده و مشاهده گردیده که اطفال حدود ۱۲ سال ، مبتلا به آن دو شده‌اند . چندی پیش زمره صدور دختران به کشورهای حاشیه خلیج فارس به گوش رسید با آن که مقامات رسمی آن را تکذیب نمودند ، اما واقعت تکان دهنده صدور و یا اعزام و یا مسافرت دختران جوان به کشورهای فوق جهت کسب درآمد نامشروع ناشی از فحشا به لحاظ فقر یا زیاده‌طلبی ، جای هیچ تردیدی به جای نمی‌گذارد.

تامین خاطر و نظرات باطنی سید علی خامنه ای

سخنگوی شورای نگهبان در رابطه با اظهارات خاتمی در روز دانشجو و انتقاد وی از عملکرد شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم و عدم اجرای دستور مقام معظم رهبری (سید علی



خامنه ای) از سوی این شورا، تاکید کرد که بین تفقد و تشکر مقام معظم رهبری از دبیر و اعضای شورای نگهبان با اینکه گفته شود خلاف فرمان رهبری عمل شده، تناقض وجود دارد. وی افزود: برای شورای نگهبان گران و سنگین است که فرمانی از سوی مقام معظم رهبری صادر شده باشد و به آن عمل نکرده باشد این از نظر مبانی فکری شورای نگهبان نیز منطقی نیست.

الهام خاطر نشان کرد: شورای نگهبان فرامین مقام معظم رهبری به خصوص فرمان حکومتی لازم‌الاجرا برای همه قوا را مراعات کرده است و اوامر ایشان را مطاع و خود را مکلف به اجرای آن حتی

نامه عفو بین الملل نروژ به وزارت خارجه نروژ

روزدوشنبه بیستم دسامبر ۲۰۰۴ ساعت ده صبح بنا به دعوت عفو بین الملل نروژ تظاهراتی در مقابل سفارت ایران در اسلو برای اعتراض به حکم اعدام لیلا برگزار میشود. مسئول عفو بین الملل نروژ در مصاحبه ای که در روزنامه آفتن پستن روز شنبه منعکس شد اظهار کرد که آدم از اینکه می بیند دختر بچه ای که از لحاظ عقلی عقب ماند هم است مورد سواستفاده و خشونت بزرگسالان قرار میگیرد، گریه اش میگیرد. لیلا از بلوغ عقلی برخوردار نیست و سن عقلی او از هشت سال فراتر نمی رود ولی این زن جوان ۱۹ ساله از سوی شعبه ۲۵ دادگستری شهر اراک به اعدام محکوم شده است. لیلا طبق این حکم میباید قبل از اعدام شلاق زده شود.

در نامه ای که عفو بین الملل نروژ به وزارت خارجه این کشور داده است آمده است که دولت باید تقاضای مطالعه اسناد پرونده را کند و از دولت ایران بخواهد که دست از اعدام بردارد. عفو بین الملل نروژ همچنین خواهان این شده است که دولت نروژ باید به ایران اخطار دهد که عملی کردن این حکم باعث مختل شدن روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران میشود.



بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران از سوی کانون مدافعان حقوق بشر

کانون مدافعان حقوق بشر با صدور گزارشی وضعیت حقوق بشر را در ایران را در سه ماهه فصل پاییز سال ۸۳ مورد بررسی قرار داد .

به گزارش خبرنگار "ایلنا" ، در این گزارش ضمن بررسی وضعیت حقوق بشر در زمینه‌های حقوقی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی نسبت



به روند تحقیق و بازداشت روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویس‌ها تداوم بازداشت متهمان ملی-مذهبی ؛ رضا علیجانی ، تقی رحمانی ، هدی صابر ، علیرغم صدور قرار قبولی وثیقه نگهداری برخی از متهمان سیاسی و مطبوعاتی در بازداشت انفرادی ، نحوه برخورد با جرایم مطبوعاتی و عدم تشکیل دادگاه مطبوعات با حضور هیأت منصفه ، ممنوعیت خروج تعدادی از فعالان سیاسی نظیر اعظم طالقانی ،

باید گفت کشور کنیا از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۰۰ میلادی حدود ۹۰ درصد از درختان خود را از دست داد. فراموش نباید کرد که معنا و اهمیت درخت، سایه، هیزم، غذای حیوانات، جلوگیری از فرسایش خاک و زمین و بالاخره حراست از زندگی است. خانم ماتایی سال ۷۷ چنیش حفظ محیط زیست کنیا موسوم به "کمربند سبز" را بنا نهاد. از آن سال به بعد این جنبش موفق شده ۳۰ میلیون اصله درخت بکارد. شعار این حرکت که در بیست کشور دیگر آفریقایی نیز فعالیت دارد این است: "محیط زیست، دموکراسی و صلح تعلق به هم دارند".

خواستار بهبودی وضعیت مهاجرین

کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد از کشورهای جهان خواسته است برای بهبود وضعیت امنیتی و حقوقی مهاجرین گام های جدی تری بردارند. آقای عنان در پیامی به مناسبت روز جهانی مهاجرین این مطلب را بیان کرد. سازمان ملل متحد جهت ارج نهادن به کمک های مهاجرین به اقتصاد و فرهنگ ملت ها امروز را روز مهاجرین نامگذاری کرده است.



آقای عنان می گوید برآورد شده است که امروزه، از هر ۳۵ نفر در جهان یک نفر مهاجر است و در کشوری غیر از کشور خود زندگی و کار می کند. دبیر کل سازمان ملل افزود این روزها تمامی کشورها افراد مهاجر را در خود جای داده اند.

آقای عنان گفت کشورهای جهان باید به تلاش برای جلوگیری از مهاجرت های غیرقانونی و مخفیانه و همچنین استخدام و بهره برداری از این مهاجران تلاش کنند. به گفته دان ایزاکس، از خبرنگاران بی بی سی، کوفی عنان در پیام خود بر ضرورت اتخاذ یک سیاست هماهنگ بین المللی برای مواجهه با عبور مردم از مرزها تاکید دارد، چه این مهاجرت ها ناشی از جنگ و آزار و اذیت و در نتیجه اجباری باشد و چه دلیل آن امنیت اقتصادی و فرصت های بهتر شغلی باشد. مهاجرت، موضوعی با دامنه گسترده است و رسیدگی به بسیاری از مسائلی را می طلبد که به ایجاد مشکلات در زندگی مهاجرین و موارد نقض حقوق آنان منجر می شود.

با حفظ وظایف قانونی خود و قبول مسوولیت خود شورای نگهبان می داند. شورای نگهبان باید تامین خاطر مقام معظم رهبری و نظرات باطنی ایشان را مورد توجه قرار دهد و علاقمند به این کار هم هست چه برسد به دستورات لازم الاجرا که در مورد انتخابات این کار صورت گرفت. بعد از دستور مقام معظم رهبری جلسات متعددی با نماینده دولت یا رئیس جمهور و شورای نگهبان برای بررسی صلاحیت ها برگزار شد که گزارش نهایی آن قبل از انجام انتخابات در ۸۲/۱۱/۱۶ به وسیله دبیر شورا خدمت رهبری تقدیم شد که ایشان در حاشیه آن به طور خاص از آیتگ جنتی تقدیر و تفقد فرمودند و از زحمات کل شورا نیز تشکر کردند.

اعطای رسمی نوبل صلح به خانم ماتایی

آقای مجوس مدیر کمیته نوبل صلح در سخنان خود قبل از اعطای جایزه به خانم ماتایی در تشریح خصوصیات



خانم ماتایی ۶۴ ساله گفت: "اولین زن آفریقایی که جایزه صلح نوبل را دریافت می‌دارد، پشت سر خود فهرستی طولانی از تعهد و التزام به صلح و دموکراسی دارد. تاثیر خانم ماتایی در این زمینه ها انکار ناپذیر است اما کمیته نوبل نروژ به این دلیل چنین تصمیمی را گرفت که میخواست تلاش در راه حفظ محیط زیست را بطور ویژه ارج بنهد. باید گفت منظور آقای مجوس از بیان این جنبه از خصوصیات خانم ماتایی پاسخ به انتقاد هایی بود که به انتخاب وی میشود که میگویند فعالیت های پروفیسور ماتایی گرچه ارزشمند بوده اما ویژگی دریافت جایزه نوبل صلح را نداشته است. باید گفت خانم ماتایی از ۳۰ سال پیش درگیر مبارزه هم برای صلح و هم برای محیط زیست بوده است".

پروفیسور ماتایی خود میگوید: "هیچ صلحی بدون توسعه عادلانه به دست نیاید. توسعه نیز بدون پرداخت و دریافت مستمر از طبیعت حاصل نمیشود و باز این تنها در محیطی قابل وصول است که صلح و دموکراسی در آن وجود داشته باشد. من به ویژه از دختران و زنان آفریقایی در این مورد سپاسگزارم و امیدارم که تجلیل از من به آنها این جرات را بدهد که ندای خود را رساتر کنند و خواستار شوند که بیش از پیش در تصمیم گیریها شرکت شان دهند."

کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

فرج سرکوهی

۳ مرحله اقرارهای اجباری

ادامه این شیوه، به رغم آگاهی همگانی بر روش های تولید نامه ها و مصاحبه ها، و به رغم آگاهی تولید کنندگان بر تاثیرات منفی آن، این پرسش را مطرح کرده است که تولید کنندگان این برنامه ها چه اهدافی را دنبال می کنند.

درباره انگیزه های تولید اقرارهای تحمیلی در جمهوری اسلامی انتشار نامه های سرگشاده چند وبلاگ نویس که به مصاحبه های تحمیلی برخی نویسندگان و روزنامه نویسان زندانی در سال های گذشته شباهت می برد بحث هایی را در باره دلایل ادامه این گونه شیوه ها برانگیخته است. شواهد عینی بسیاری نشان می دهند که برنامه ریزان و مجریان مصاحبه های تحمیلی، و انواع دیگر «اقرارهای اجباری»، می دانند که اکثریت مردم ایران و جهان، حتی بخش قابل توجهی از هواداران سرسخت بنیادگرایان، این گونه نامه ها و مصاحبه ها را باور نکرده و آن را نشانه ای از شکنجه های روانی و جسمی و حاصل روش های پیشرفته اقرارگیری ارزیابی می کنند. ادامه این شیوه، به رغم آگاهی همگانی بر روش های تولید نامه ها و مصاحبه ها، و به رغم آگاهی تولید کنندگان بر تاثیرات منفی آن، این پرسش را مطرح کرده است که تولید کنندگان این برنامه ها چه اهدافی را دنبال می کنند.

برای شناخت هدف های اقرارهای اجباری سه مرحله متمایز این شیوه را در ایران باید در نظر داشت.

در دوره اول، سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، پخش مصاحبه های تحمیلی رهبران سازمان های اپوزیسیون، از جمله رهبران حزب توده و مجاهدین خلق، ابزاری مفید، مناسب و کارا در جنگ روانی و در مبارزه تبلیغاتی علیه مخالفان تلقی می شد. بسیاری از مردم، دست کم انبوهی از هواداران نظام، که از روش های تولید این برنامه ها بی خبر بودند، این گونه مصاحبه ها را باور کرده و در مواضع خود پا بر جا تر می شدند. جلب حمایت بیش تر موافقان نظام و کشاندن اعضای و هواداران سازمان های مخالف به سرخوردگی، ناامیدی و تناقضات فکری و روانی از هدف های مهم اقرارهای اجباری در این دوره بود. در نظام ارزشی مطلق گرای غالب بر فضای سیاسی ایران آن روزگار، وظیفه اصلی زندانی سیاسی، به ویژه رهبران، مقاومت مطلق در برابر بازجویان و دفاع آشکار از مواضع حزبی بود. حتی سازمان های سیاسی با تجربه، از ابعاد شکنجه های روانی و جسمی و کارایی روش های پیشرفته

خرد کردن زندانیان و اقرارگیری تصویر روشنی نداشته و تن دادن رهبران به مصاحبه های اجباری را ضعف یا خیانت تلقی می کردند. از این روی با پخش هر مصاحبه، مصاحبه کننده اعتبار و حیثیت سیاسی و شخصی خود را، حتی در میان خانواده، دوستان و طرفداران خود، از دست می داد و اگر زنده می ماند منزوی و از نظر سیاسی خنثا می شد.

گرچه محافل جهانی حقوق بشر با آگاهی بر شیوه های استالینی در کشورهای سوسیالیستی اقرارهای اجباری را برهان آشکاری بر شکنجه های جسمی و روانی دانسته و زبان به اعتراض می گشودند اما کارایی های داخلی این شیوه، به ویژه در آن هنگامه که جمهوری اسلامی با اپوزیسیون سازمان یافته درگیر و در حال تثبیت خود بود، بر زیان های آن می چربید.

تولید و پخش متن اقرارهای اجباری به داستان نویسی شباهت بسیار می برد. «واقعیت داستانی» باید از ساختاری باور پذیر برخوردار بوده و به همه تناقضات و پرسش های احتمالی در باره خود پاسخ دهد. در یک داستان خوش ساخت، عناصری از «واقعیت» با «تخیل» نویسنده چنان درهم می آمیزند که خیال واقعیتی تردید ناپذیر جلوه می کند.

در اقرارهای تحمیلی نیز «عناصری واقعی» از زندگی خصوصی و اجتماعی قربانی با «عناصری جعلی» ترکیب می شوند. نسبت، بافت و نحوه ترکیب «تخیل» و «واقعیت» در داستان، و «جعل» و «واقعیت» در اقرارهای اجباری، نقش مهمی در باور پذیری آن ها دارند. به گفته متخصصان جنگ روانی افراط در تولید اقرارهای اجباری و ترکیب نامعقول و ناشیانه جعل و واقعیت، به تدریج، از کارایی اقرارهای اجباری کاسته و آگاهی همگانی بر شیوه های تولید به نتیجه معکوس انجامید.

دوران دوم اقرارهایی تحمیلی پس از سرکوب مخالفان سازمان یافته سیاسی در دهه ۶۰ آغاز شد. در این دوران روشنفکران منفرد، تولید کنندگان فرآورده های فرهنگی، در عرصه ادبیات، هنر و مطبوعات فعال شده و بخش های مهم و با نفوذی از جامعه، به ویژه در نسل های نوظهور، را جذب کردند. هنرمندان و نویسندگان غیر حکومتی و منتقد و مجله های فرهنگی غیر اسلامی مستقل به اتوریتته های فرهنگی در میان لایه های اهل مطالعه بدل شدند. گروه های روشنفکری چون «کانون نویسندگان» و روزنامه نویسان مستقل خواستار آزادی بیان و فعالیت علنی نهادهای صنفی خود بودند. انقلاب ارتباطات با برنامه های رادیویی و تلویزیونی ماهواره ای و اینترنت سد سانسور و خود سانسوری را ذوب و فرهنگ رسانه های بزرگ جهانی، و رسانه های فارسی زبان خارج

انتزاعی دیگر، برای اکثریت مردم، به ویژه گروه های حزب الله، قابل فهم نبود. برانگیختن مردم به مبارزه با «فعالیت سازمان یافته جاسوسان فاسد غرب»، از محورهای اصلی تئوری تهاجم فرهنگی بود اما کشاندن توده های غیر روشنفکری جامعه به جنگ با یک نظریه انتزاعی دشوار بود. برای برانگیختن مردم در این زمینه به نمونه های عینی، به «روشنفکران فاسد سر سپرده غرب»، نیازمند بودند تا با معرفی آن ها به مردم خطر را ملموس و مشهود نشان دهند.

تولید نمونه های عینی، برای تئوری تهاجم فرهنگی، ترساندن روشنفکران و بازداشتن آن ها از فعالیت های فرهنگی و صنفی و احیانا سیاسی، بی اعتبار کردن و منزوی کردن چهره های سرشناس فرهنگی و سیاسی از اهداف مهم «اقرارهای تحمیلی» در مرحله دوم بود.

شکنجه های روانی و جسمی و روش های پیشرفته اقرار گیری بلوک سوسیالیستی به کار گرفته شد تا قربانیان خود و همکاران و دوستان خود را به جاسوسی و فساد متهم کنند. در متن نامه ها و مصاحبه های تحمیلی و در برنامه معروف «هویت» همجنس بازی، برای قربانیانی که سابقه مذهبی داشتند و روابط نامشروع، برای کسانی که به لایسته شهرد بودند، جاسوسی و دریافت کمک های مالی و رهنمودهای فکری از آژانس های اطلاعاتی کشورهای غربی، همکاری با ضد انقلاب خارج از کشور، مصرف مواد مخدر و نوشیدن مشروبات الکلی، برای هر دو گروه، از اتهامات تکراری بود. قربانیان را از میان چهره های فعال، مشهور و با نفوذ در عرصه فرهنگ بر می گزیدند. سرکوب این یا آن موج انتقادی رو به گسترش از راه ترساندن فعالان آن نیز، در انتخاب قربانی، زمان بازداشت و پخش اقرارهای اجباری نقش مهمی داشت. برای خلق رعب و وحشت قتل نیز در دستور کار قرار گرفت.

اما طراحان و مجریان برخورد امنیتی با تهاجم فرهنگی تفاوت سازمان های سیاسی و روشنفکران منفرد و تفاوت سال های اول انقلاب با دهه های اخیر را نادیده گرفته بودند. اقرارهای اجباری رهبران سیاسی کار سازمان های اپوزیسیون، در سال هایی که هنوز اکثریت مردم از انقلاب حمایت می کردند، شیوه ای کارا بود و نتایج مفید برای دست اندرکاران به بار آورد. مصاحبه های تحمیلی روشنفکران منفرد فرهنگیکار، در دهه های اخیر که نارضایتی ها افزایش یافته است، اما جز تاثیر منفی دست آوردی نداشت. انتشار نامه ها و گزارش قربانیان از شیوه تولید اقرارهای تحمیلی بر شهرت و اعتبار آنان افزود و بسیاری از کارکردهای اقرارهای اجباری را خنثا کرد. جامعه فرهنگی و سیاسی نیز

از کشور، در میان توده های مردم راه یافت. روحانیون لایه ای بودند با فرهنگ و واقف به کارایی و تاثیر فرهنگ بر جامعه اما جمهوری اسلامی در تولید متفکران، هنرمندان و داستان نویسان اسلامی ناکام مانده بود. پس از جنگ ارزش های انقلابی در برخورد با واقعیت های سخت زمینی به تدریج جاذبه های خود را از دست می دادند. روی گردانی اکثریت جامعه از این ارزش ها، خشم، خشونت و سرخوردگی حزب الله معتقد به ارزش های سال های اول انقلاب و جنگ را برمی انگیخت. نظام مکتبی با گرایش روزافزون مردم، به ویژه جوانان، به فرهنگ و ارزش های غیر اسلامی و اغلب غربی و نفوذ روزافزون روشنفکران رو به رو شده بود و در پاسخ به این موقعیت «مبارزه با تهاجم فرهنگی» را در دستور روز قرار داد.

گروهی مخالف جهانی حقوق بشر با آگاهی بر شیوه های استالینی در کشورهای سوسیالیستی اقرارهای اجباری را برهان آشکاری بر شکنجه های جسمی و روانی دانسته و زبان به اعتراض می گشودند اما کارایی های داخلی این شیوه، به ویژه در آن هنگامه که جمهوری اسلامی با اپوزیسیون سازمان یافته درگیر و در حال تثبیت نفوذ بود، بر زبان های آن می پرید.

«نظریه تهاجم فرهنگی» بر آن بود که غرب توطئه سازمان یافته ای را علیه جمهوری اسلامی در عرصه فرهنگی تدوین و در دست اجرا دارد. غرب در این توطئه از رسانه ها، ادبیات و هنر بهره می گیرد تا با تضعیف فرهنگ اسلامی و جایگزینی «فرهنگ غربی» سلطه خود بر ایران زنده کند. همه دست آوردهای فرهنگی بشریت از رنسانس به بعد: عقل گرایی، اومانیزم، لیبرالیزم، دموکراسی، سبک ها و مکتب های ادبی چند قرن اخیر در مقوله «فرهنگ مهاجم غرب» طبقه بندی و اکثریت دیگر اندیشان به «اسب تروا» و «سربازان فرهنگ غرب» ملقب شدند. برای «حفظ هویت اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی» در سال ها ۷۰ «برخورد امنیتی در عرصه فرهنگ» تصویب و بخش فرهنگی وزارت اطلاعات تقویت شد. اما تئوری تهاجم فرهنگی، چون هر نظریه

گیری از اقتدار ترس» به تنها هدف و توجیه اقرارهای اجباری بدل شده است.

فضای بسته رسانه ها در ایران، نیاز نسل جوان به گفت و گوی آزاد و امکاناتی که اینترنت به ارمغان می آورد، به موج گسترده وبلاگ نویسی در میان جوانان دامن زده است. در این موج جدید به جای چهره های سرشناس فرهنگی و سیاسی، انبوهی از جوانان مشتاق به میدان آمده اند. گرچه متن اقرارهای اخیر، با نام بردن از برخی فعالان جبهه دوم خرداد، آنان را به پرونده سازی تهدید می کند، اما ترساندن و ایجاد فضای رعب و وحشت برای مقابله با موج وبلاگ نویسی را می توان پیام اصلی و شاید تنها هدف اقرارهای اجباری اخیر تلقی کرد.

ارزیابی نتایج مرحله سوم اقرارهای تحمیلی زودهنگام به نظر می رسد اما از آن روی که نسل جوان ایران به پنجره های ارتباط، به رسانه هایی برای بیان خود، نیاز دارد و از آن جا که ترس همواره احساسی گذرا است و نیاز بنیادین همیشه بر ترس غلبه خواهد کرد بعید است که مرحله سوم اقرارهای اجباری در تحقق اهداف خود موفق باشد.

بقیه از صفحه ۱۸ - همه پرسى آرى

فروش کودکان که گستردگی آن در رژیم جمهوری اسلامی رو به افزایش است، بر اساس میثاقها و مقوله نامه های بین المللی سازمان ملل متحد،

برای ممانعت و جلوگیری از کشتار و قتل عام دسته جمعی که یکبار در سال ۱۳۶۷ در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بوقوع پیوست و بار دیگر در قتلهای موسوم به زنجیره ای تکرار گشت و نیز جهت تحقق اصول میثاق بین المللی در مورد ممانعت از مجازات کشتار دسته جمعی (قتل عام) سازمان ملل متحد،

برای تحقق و ایجاد یک حکومت دمکراتیک مبتنی بر آرای اکثریت، بدور از خشونت و واگذاری حکومت به صاحبان اصلی آن یعنی مردم ایران،

بدینوسیله کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران از فراخوان ملی برگزاری یک همه پرسى با نظارت نهادهای بین المللی برای تشکیل مجلس موسسان و به منظور تدوین پیش نویس یک قانون اساسی نوین که مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق ها و مقوله نامه های سازمان ملل متحد است، پشتیبانی و حمایت مینماید. کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران

شنبه ۷ آذر ۱۳۸۳

www.polpiran.com

شناخت بیش تری از روش های تولید مصاحبه های تحمیلی به دست آورده بود و برخوردی متفاوت با برخورد هواداران سازمان های سیاسی در مرحله نخستین اقرارهای اجباری داشت. روایت های متعدد قربانیان، بافت نامعقول اقرارها و افراط در به کار گیری این شیوه کار کردهای مهم آن را خنثا کرد.

شکنجه های روانی و جسمی و روش های پیشرفته اقرار گیری بلوک سوسیالیستی به کار گرفته شد تا قربانیان خود و همکاران و دوستان خود را به جاسوسی و فساد متهم کنند. در متن نامه ها و مصاحبه های تمحیلی و در برنامه معروف «هویت» همپنس بازی، برای قربانیانی که سابقه مذهبی داشتند و روابط نامشروع، برای کسانی که به لایسیتته شهره بودند، جاسوسی و دریافت کمک های مالی و رهنمودهای فکری از آژانس های اطلاعاتی کشورهای غربی، همکاری با ضد انقلاب خارج از کشور، مصرف مواد مخدر و نوشیدن مشروبات الکلی، برای هر دو گروه، از اتهامات تکراری بود

قتل های موسوم به زنجیره ای، نقطه عطفی در مبارزه با تهاجم فرهنگی بود. در این مورد نیز ترس و سکوت جای خود را به اعتراض گسترده داد. پس از افشای قتل های زنجیره ای امید می رفت که اقرارهای اجباری نیز متوقف شود. اما مصاحبه سیامک پور زند، روزنامه نویس کهنسال و انتشار اقرارهای اخیر چند وبلاگ نویس، با همان مشخصه های همیشگی و البته ناشیانه تر و برهنه تر، نشان از ادامه دوران سوم اقرارهای اجباری در ایران دارد. در این مرحله به جای وزارت اطلاعات نهادهای دیگری در قوه قضاییه دست اندرکارانند. اهداف متنوع و متعدد مراحل اول و دوم و اغلب توجیه های نظری اقرارهای اجباری، حتا در میان بخش های مهمی از هواداران شیوه های خشن، توجیه و کارایی های خود را از دست داده اند. در این مرحله «مقابله با امواج مقطعی با بهره

شیوا زرآبادی

کودکان محکوم در سلول های مرطوب

۲۱۰ کودک زیر دو سال در زندان به سر می برند

در حال حاضر ۱۸ کودک زیر دو سال در سه زندان اوین، رجایی شهر و ورامین استان تهران و ۲۱۰ کودک زیر دو سال در کل



کشور در کنار مادران خود دوران محکومیت را می گذرانند.

این رقم تا قبل از سال ۷۹ به بیش از ۸۰۹ کودک در کل کشور می رسید که شامل کودکان در رده های سنی متفاوت بود. بنابر آمارهای غیررسمی تعداد کودکان زیر دو سال زندان های استان های کشور بین ۱۲ تا ۱۵ کودک است.

کاهش تعداد کودکان در زندان ها از آنجا ناشی شد که به دلیل افزایش جمعیت زندانیان در زندان ها و در نتیجه تعداد کودکان همراه مادر و با توجه به ازدیاد هزینه های مادی و بعضاً معنوی نگهداری از این کودکان، سازمان زندان ها و سازمان بهزیستی بر آن شدند تا در توافقتنامه ای پس از صدور حکم قضایی هنگام تعیین محکومیت مادر، کودکان بالای دو سال مستقیماً به مراکز شبانه روزی بهزیستی منتقل شوند. این توافقتنامه در ۱۵ مرداد ۷۹ به امضای طرفین رسید و پس از آن تا پایان شهریور ۸۱ تعداد ۶۸ کودک تنها به مرکز بهزیستی تهران سپرده شدند. در حالی که تا پیش از آن کودکان تا ۸ سال یا بیشتر در کنار مادر در زندان به سر می برده اند. در عین حال هنوز در برخی استان ها و مناطقی که امکان نگهداری کودکان بالای ۲ سال در مراکز بهزیستی (به علت نبود این مراکز یا هر دلیل دیگر) وجود ندارد، کودکان تا سال ها پس از سن شیرخوارگی در زندان در کنار مادر محبوس می مانند. طبق توافقتنامه سال ۷۹ وضعیت کودکان بالای دو سال که مادرانشان باید مدت مدیدی را در زندان به سر ببرند مشخص می شود اما آن بعد قضیه که همچنان بر سر آن بحث و تبادل نظر بین دو سازمان مربوطه وجود دارد، مسئله وضعیت و شرایط کودکان زیر دو سال است که به واسطه محکومیت مادر در زندان به سر می برند. گفته می شود که سازمان بهزیستی و سازمان زندان ها هر دو برای بهبود شرایط وضعیت این کودکان توافق و همکاری دارند ضمن اینکه قانوناً سازمان زندان ها بر اساس تبصره ای از ماده ۶۵ آیین نامه اجرای سازمان زندان ها مصوب سال

۱۳۸۰ موظف به برنامه ریزی و تصمیم گیری در مورد وضعیت این کودکان است. در این ماده آمده است: «زندانیان زن می توانند اطفال خود را تا دو سال تمام همراه داشته باشند و روسای زندان ها می توانند در هر زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ تا ۶ سال در محل مجزا (مهدکودک) اقدام یا نسبت به انتقال اطفال به بهزیستی مبادرت نمایند.»

• کودکان نحیف و رنجور

کودکانه که از بدو تولد یا پس از آن در زندان به سر می برند از حقوق یک کودک برخوردار نیستند نه به دلیل مجرمیت خود که به علت ارتکاب جرم مادر مجبور به تحمل محرومیت از آزادی و حبس در زندان هستند. دیدگاه های متفاوتی در دنیا برای کودکانی که مادرانشان جرمی مرتکب شده اند، وجود دارد. در چین بدون توجه به سن کودک هنگام ورود مادر به زندان، کودک را از مادر می گیرند و در مراکز شبانه روزی نگهداری می کنند. اکبر فرح الدین عدل محقق و مسئول پژوهش های اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی معتقد است: «کودکی که مدت زمانی هر چند کوتاه را در زندان بگذرانند، دچار آسیب های روانی، جسمی و اجتماعی خاص می شود. باید بررسی های علمی در این زمینه صورت گیرد تا مشخص شود کدام وزنه سنگین تر و مهم تر است، برطرف ساختن نیاز عاطفی در کنار مادر و تحمل آسیب های جدی در زندان، یا دوری از مادر و محیط زندان. باید دید بد و بدتر کدام است.» عدل که تاکنون چند تحقیق در مورد وضعیت این کودکان پس از خروج از زندان و ورود به مراکز شبانه روزی و وضعیت کودکان شیرخوار در زندان انجام داده است، می گوید: «مادر، پدر و خانواده این کودکان شرایط نابسامانی دارند و اغلب پدر و مادر این کودکان دچار اعتیاد و ارتکاب جرم هستند و از صلاحیت تربیت کودک برخوردار نیستند حتی اگر زندانی بودن این مجرمان مطرح نباشد به اعتقاد من باید با وضع قوانین کودکان را از والدین محکوم جدا کرد. وی معتقد است از همان ابتدای محکومیت کودک بدون توجه به سن کودک، او از مادر جدا شود و اضافه می کند: جدایی از مادر و قطع وابستگی از او پس از دو سالگی باز هم به کودک ضربه می زند.

کودکانه که از بدو تولد یا پس از آن در زندان به سر می برند از حقوق یک کودک برخوردار نیستند نه به دلیل مجرمیت خود که به علت ارتکاب جرم مادر مجبور به تحمل محرومیت از آزادی و حبس در زندان هستند.

درصد از کودکان دارای مشکلات روانی بودند. کودکان در زمینه ناسازگاری، برقراری، ناآرامی، زودرنجی، تمرکز و توجه، پرخاشگری، بی‌نظمی، دروغ‌گویی، ناخن جویدن و شب‌اداری مورد مطالعه قرار گرفتند که از این بین ناسازگاری، پرخاشگری و افکار تهاجمی در ابعاد رفتاری و ترس و نگرانی و زودرنجی در ابعاد حسی بیشترین مسائل روانی کودکان مورد مطالعه را به خود اختصاص داد. کودکان بسیاری از مهارت‌های ظریف و متناسب با سن‌شان را نمی‌دانستند. در بررسی وضعیت اجتماعی کودکان بیشترین ضعف در تحرک و جابه‌جایی و اجتماعی بودن آنها به چشم می‌خورد.

وقتی وارد یکی از بندهای زنان زندانی شدم بوی نم و رطوبت، محدودیت جا و مکان بسیار تاثیر انگیز بود. در سلول‌هایی ۶ متری ۳ مادر و ۳ کودک را با دانه بودند. در زندان‌هایی که فضا بیشتر بود با وجود یک اتاق بزرگ‌تر تعداد هم بیشتر بود. به طور مثال در یک اتاق ۱۰ مادر و ۱۰ کودک در کنار هم زندگی می‌کردند و ...

در اطلاعات خانوادگی کودکان مورد مطالعه در میان دیگر جرایم نزدیک به نیمی از مادران ۴/۴۵ درصد معتاد یا اقدام به خرید و فروش مواد مخدر کرده‌اند. از نظر سطح تحصیلات مادران ۴/۵۲ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۳/۳۳ درصد بی‌سواد و ۳/۱۴ درصد تحصیلات راهنمایی داشته‌اند. در بررسی وضعیت پدران این کودکان برحسب زندانی یا آزاد بودن مشخص شده است که ۵/۵۴ درصد پدران زندانی بوده و بیشترین میزان ارتکاب جرم توسط آنها مربوط به خرید و فروش مواد مخدر و اعتیاد بوده است.

• تا کجا جلو رفته ایم

در حال حاضر دغدغه سازمان بهزیستی و مسئولان هر شبه‌خانواده آن سازمان همانگونه که در خبرها آمده است راه‌اندازی شیرخوارگاه‌هایی در خارج از بند زنان در بیرون از محوطه سلول‌ها با رعایت تمام استانداردهای یک شیرخوارگاه هم از نظر لوازم و تجهیزات و هم از نظر فضا و امکانات متناسب با یک مهد کودک است. مسئولان سازمان بهزیستی دلایل کندهای روند این طرح را نبود فضای فیزیکی در برخی از زندان‌ها عنوان می‌کنند در حالی که «سهراب سلیمانی»، مدیرکل سازمان زندان‌های استان تهران

عدل در مورد شرایط زندان‌ها می‌گوید: «کودکان در زندان‌ها با امکانات بسیار نامناسب و محدودی مواجه هستند، آموزش خاصی نمی‌بینند، حتی از داشتن اسباب‌بازی هم محرومند، تغذیه نامناسبی دارند، بسیار رنجور و کم‌تحرک هستند و دائماً در معرض مشاجره و گفت‌وگوهای ناصحیح بزرگ‌ترها در مورد مسائلی از قبیل جرم و جنایت و مواد مخدر هستند. این پژوهشگر به خاطر می‌آورد: وقتی وارد یکی از بندهای زنان زندانی شدم بوی نم و رطوبت، محدودیت جا و مکان بسیار تاثیر انگیز بود. در سلول‌هایی ۶ متری ۳ مادر و ۳ کودک را جا داده بودند. در زندان‌هایی که فضا بیشتر بود با وجود یک اتاق بزرگ‌تر تعداد هم بیشتر بود. به طور مثال در یک اتاق ۱۰ مادر و ۱۰ کودک در کنار هم زندگی می‌کردند و اگر بیماری‌ای برای مادر یا یکی از کودکان بروز پیدا می‌کرد، بقیه ساکنان سلول به سرعت بیمار می‌شدند. عدل در تحقیقی که در سال ۸۲ به سفارش دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در مورد «وضعیت و نیازهای جسمی، اجتماعی و روانی کودکان خارج شده از زندان» انجام داده، شرایط ۳۳ کودک خارج شده از زندان را که به مراکز شبانه‌روزی بهزیستی انتقال داده شده بودند، مورد بررسی قرار داد.

در این تحقیق به گزارشی از مربیان شیرخوارگاه‌ها و خانه‌های کودکان و نوجوانان به کودکان انتقال داده شده از زندان، اینگونه اشاره می‌کند: «برخی از این کودکان در روزهای اول پس از انتقال از زندان، کاملاً بهت‌زده و گیج هستند. دیدن بسیاری از چیزها برایشان تعجب‌آور است و گویی به دنیای جدیدی وارد شده‌اند. برخی از آنها قادر به درک مفاهیم ساده و کلماتی مانند چپ، راست، پایین، بالا، بزرگ، کوچک، مداد، نقاشی، پارک، سینما، مغازه، خیابان و... نبودند. یکی از کودکانی که مدت ۸ سال در زندان بوده با توجه به محدودیت‌های زندان، محرومیت‌ها و محدودیت‌های ارتباطی پس از انتقال از زندان به مراکز شبانه‌روزی، گیج و مبهوت به اطراف خود خیره می‌شد، به سئوالات مربیان و مددکاران نمی‌توانست پاسخ دهد و توانایی برقراری ارتباط با مربیان و دیگر کودکان را نداشت. او مفهوم بسیاری از کلمات را نمی‌دانست و به لحاظ جسمی نیز بسیار نحیف و رنگ‌پریده بود. ۴/۲۱ درصد از کودکان مورد مطالعه در این تحقیق در بدو ورود به مراکز شبانه‌روزی دارای اثرات تروما و ضربه بودند. شش نفر از کودکان دارای جای‌ضربه و کبودی روی تمام بدن، پا، زخم روی لب، سائیدگی روی گونه و شکستگی دست و یک نفر نیز دارای تشنج به علت ضربه وارده به سر بود. در بررسی وضعیت روانی از حیث رفتار، احساس و ذهن در این تحقیق ۳/۳۳

از طرف بهزیستی باید دارای اتاق تعویض لباس، وسایل گرم کردن شیر، پزشک و پرستار کودک، اتاق بازی و حیاط بازی با وسایل تفریحی باشد. کارکنان این شیرخوارگاه ها را از درون زندان انتخاب می کنیم. مادرانی که از لحاظ الگویی رفتاری در شرایط مناسبی باشند، پس از یک آموزش کوتاه مدت به کار خواهیم گرفت. مادران کودکان روزی ۳ بار برای شیر دادن بچه ها به شیرخوارگاه ها می آیند و شب ها را هم در کنار بچه هایشان می مانند. آنچه که تاکنون وجود داشته نه فضاهایی با شرایط کافی یک شیرخوارگاه بلکه سلولی مختص مادران و کودکانشان بوده است. نبی الله عشقی مدیرکل دفتر امور شبه خانواده بهزیستی در مورد طرح احداث شیرخوارگاه ها در زندان ها می گوید: «آماده همکاری با سازمان زندان ها برای آموزش مربیان شیرخوارگاه ها و تجهیز مکان های مورد نظر هستیم. به ما اطلاع بدهند، ما همکاری می کنیم.» «سید حسن علم الهدایی» مدیرکل امور اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به پیشقدمی سازمان زندان ها برای تعیین تکلیف شرایط کودکان در زندان می گوید: «حمایت از کودکان بی سرپرست و یا بد سرپرست جزء وظایف ما است. با سازمان زندان ها توافقاتی انجام شده است و هر کجا که آنها مشخص کنند و فضای آن را در اختیار ما بگذارند ما همکاری های لازم را انجام می دهیم.» مطالعات انجام شده روی کودکان والدین زندانی توسط موسسه ملی دادگستری آمریکا در سال ۱۹۹۷ نشان می دهد که کودکان والدین زندانی در معرض خطر فرآیند اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، فرار از مدرسه و اختلال حواس و عملکرد عقلی ضعیف قرار دارند و از سوی دیگر در تحقیقات دیگری مهم ترین مشکلات کودکان مادران زندانی شرمندگی، داغ اجتماعی ناشی از زندانی بودن مادر، ترک تحصیل، درگیر شدن در گروه های بزهکار، سوءمصرف مواد مخدر و بزهکاری و حاملگی زودرس عنوان شده است.

بقیه از صفحه ۲ - رفراندموم چرا و چگونه؟

منطقی مقدمات برگزاری انتخابات برای تدوین قانون اساسی و ارائه آن به مردم ایران فراهم گردد. مردم ایران از طریق همه پرسی دوم که اصطلاحاً همه پرسی تصویبی توصیف شده است نسبت به تصویب قانون اساسی جدید اقدام مینمایند.

هر ایرانی شرافتمند، آزادمش، معتقد به مردم سالاری و حاکمیت ملی و وفادار به ارزشهای ملی و فرهنگی ملتزم به تبعیت از اراده مردم در همه پرسی مشورتی و تصویبی میباشد.

تهران - اول اردیبهشت ۱۳۸۲

می گوید: «ما فضای فیزیکی داریم، تا قبل از این طرح هم ما مهد کودک در زندان داشتیم. اما الان قرار است سرپرستی مهد کودک ها به بهزیستی محول شود.» سیدمحمد حسین جوادی، مددکار و دبیر کمیته مددکاری سازمان زندان ها در مورد روند راه اندازی شیرخوارگاه در زندان ها می گوید: «پس از صدور توافقنامه کمیته ای در استان براساس ساماندهی این کودکان تشکیل شد و با سیستم قضایی هم مذاکراتی داشتیم تا حتی المقدور با استفاده از مجازات های جایگزین از فرستادن خانم هایی که کودکان زیر دو سال دارند به زندان جلوگیری کنند. قرار بر این شد که مهد کودک ها به صورت هیات امنایی اداره شود که با بخش حقوقی سازمان زندان ها از این جهت که یک بخش دولتی در یک سیستم دولتی دیگر فعالیت کند، اشکال پیدا شد و در کنار این اشکال به علت تغییر پست های مسئولان مربوطه در هر دو سازمان تا الان طرح به کنده پیش رفته است.»

برفی از این کودکان در روزهای اول پس از انتقال از زندان، کاملاً بهت زده و گیج هستند. دین بسیاری از پیزها برایشان تعجب آور است و گویی به دنیای جدید وارد شده اند. برفی از آنها قادر به درک مفاهیم ساده و کلماتی مانند پپ، راست، پایین، بالا، بزرگ، کوچک، مدار، نقاشی، پارک، سینما، مغازه، فیابان و... نبودند

جوادی حمایت از این کودکان را جزء وظایف سازمان می داند و می گوید: «لان هم تلاش می کنیم زنان مجرمی که کودکان شیرخوار دارند یا از مجازات جایگزین استفاده کنند یا با پی گیری مددکاران کودکان شیرخوار آنها را در درجه اول به یکی از اعضای خانواده و یا بستگان بسپاریم.»

حمیدرضا الوند، معاون دفتر امور شبه خانواده بهزیستی با اشاره به راه اندازی شیرخوارگاهی در زندان گنبد در استان گلستان می گوید: «به علت همکاری خوب بهزیستی استان گلستان و سازمان زندان های استان و وجود فضای فیزیکی لازم برای ساخت شیرخوارگاه این طرح در آن زندان که دارای ۲۰ بچه شیرخوار بودند و جزء زندان های پر تعداد از نظر کودک بودند، زودتر از دیگر استان ها اجرا شد. شیرخوارگاه ها طبق الگوهای تعیین شده

مهیندخت مصباح

دنيا هنوز مردانه است



میگویند در دنیای کنونی برابری امری است بدیهی و جنسیت دیگر موضوعی نیست که سرنوشت کسی را تعیین کند، بلکه تنها پرسشی است در قبال هویت فردی.

اما بعید است کسی با مرور واقعیت‌ها که حتی در پیشرفته‌ترین جوامع نیز وجود دارند، این تعریف را جدی بگیرد و باورش کند. هنوز زنان موظفند خود به تنهایی و نه با همراهی عمومی مردان، بار تلاش برای کسب مساوات را به دوش کشند.

هنوز حتی در صنعتی‌ترین و مدرن‌ترین جوامع، مردان بر عرصه‌های سیاست و اقتصاد فرمان میرانند. برمسند تصمیم‌گیری کارتل‌ها و کارخانه‌ها تکیه میزنند. سهم‌شان از ثروت به مراتب بیشتر از زنان است و از نظر آموزشی و حرفه‌اندوزی نیز معمولاً موقعیت بهتری نسبت به زنان دارند.

زنان علاوه بر تحمل شاخص‌های نابرابری و تبعیض‌هایی که نام برده شدند، متحمل آزارها و خشونت‌هایی نیز میشوند که ناشی از قدرت مردانه است. مروری بر واقعیت‌های موجود در دنیا، در کشورها و قاره‌های مختلف خود گواهی است بر این مدعا.

آمار قاچاق و خرید و فروش زنان در کشورهای بلوک شرق سابق و بکار گماشتن آنها در عشرتکده‌های اروپایی غربی روز به روز در حال افزایش است و سودجویی دنیای مردانه از این برده‌داری جنسی پایانی ندارد.

در جنوب آسیا و بطور مشخص در تایلند، بسیاری از زنان و کودکان قربانی هوسبازی‌های جهانگردان خارجی میشوند. عبارت "سکس تورسیم" را بسیاری بدون شرم و به راحتی بکار میبرند.

در مالزی، فیلیپین یا اندونزی، زنان و دختران بسیار جوان با درآمدهای مسخره و تقریباً هیچ مجبور به خدمتکاری ثروتمندان در کشورهای غربی میشوند.

در کشورهای عربی یا مذهبی هم پدر سالاری بیداد میکند و اکثراً زنان واجد هیچ حقوقی نیستند. آمار قتل‌های به اصطلاح ناموسی در این کشورها بسیار بالاست. در کشورهای سنتی، یکی دیگر از مشکلات عمده فرهنگی و اجتماعی اجبار دختران به ازدواج است.

در آلمان نتیجه یکی از تازه‌ترین تحقیقات دولتی نشان میدهد که بیش از یکسوم زنان آلمانی متحمل خشونت‌های جنسی در خانواده میشوند و از شوهران خود کتک میخورند.

در کشورهای جنگ‌زده، زنان قربانی تجاوزهایی میشوند که نیروی فاتح یابہ قصد انتقامجویی یا لذت‌جویی انجام میدهد. ثابت شده که تجاوز جنسی به زنان در جنگ‌ها موضوعی استراتژیک است. زن یا دختر مورد تجاوز قرار گرفته در غالب موارد به دلیل تابوها تا آخر عمر سکوت میکند و از عوارض روحی آن رنج میبرد.

در آفریقا رسم قرون وسطایی ختنه زنان، خشونت است جسمی، روحی که عوارض‌اش ابعادی غیر انسانی دارد. عجب آن که علیرغم همه اعتراض‌ها و تلاش‌های نهادهای مدافع حقوق زن و حقوق بشر، این سنت که ریشه‌های مذهبی، خرافاتی و فرهنگی دارد، کماکان بطور وسیع در کشورهایی چون سودان یا سومالی اجرا میشود. ضمناً در آفریقا بیماری ایدز با بیداری فزاینده عمر زنان را می‌بلعد. در جنوب آفریقا ۵۰ درصد زنان مبتلا به ایدز هستند که ۷۵ درصدشان از نظر سنی بسیار جوان و زیر ۲۵ سال سن دارند.

در جنوب آسیا و بطور مشخص در تایلند، بسیاری از زنان و کودکان قربانی هوسبازی‌های جهانگردان خارجی میشوند. عبارت "سکس تورسیم" را بسیاری بدون شرم و به راحتی بکار میبرند.

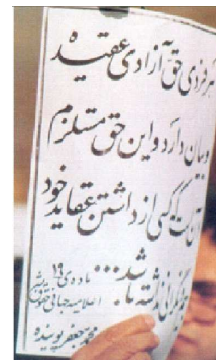
علت اصلی ابتلا زنان به بیماری ایدز در آفریقا را میتوان ناشی از ناآگاهی، ناشی از همخوابگی‌های بدون پوشش، ناشی از تجاوزهایی که در جنگ‌ها صورت میگیرد و بالاخره ناشی از عدم حق انتخاب برای زنان دانست. به این معنا که در ازدواج‌های اجباری مردی که دارای ویروس اچ‌آی‌وی است به فوریت آن را به همسر خود که هیچ درکی هم از محافظت خود در این زمینه ندارد انتقال میدهد. باید گفت خطر ابتلا یک زن از طریق همخوابگی با مردی که مبتلا به ویروس ایدز است، دو برابر خطری است که مردی از طریق یک زن آلوده به ویروس، مبتلا به ایدز شود.

ضمناً یکی از تلخ‌ترین و مهلک‌ترین خشونت‌های جنسی به خاطر باوری که نزد برخی فرهنگ‌های آفریقایی وجود دارد، اعمال میشود. میگویند هماغوشی با یک باکره موجب مصونیت در قبال ویروس ایدز میشود. مردان به همین منظور، به دختر بچه‌ها و حتی خردسالان تجاوز میکنند. تجاوزهایی که گاه جان قربانی را می‌ستانند.

احمدرضا کمره‌ای

تاریخچه اعلامیه جهانی حقوق بشر

به خاطر وضعیت دشوار حقوق بشر در ایران و گسترش بحث در باره حقوق بشر در سراسر جهان گفتمان حقوق بشر در سالهای اخیر در میان ایرانیان جای باز کرده است. مقاله‌های گوناگون در این زمینه به فارسی در سایتهای اینترنتی و نیز در روزنامه‌های مستقل ایران منتشر



می‌شود. به همین مناسبت مصاحبه‌ای با دکتر کمره‌ای در این زمینه انجام میشود.

مصاحبه گر: کیواندخت قهاری

ک.ق: آقای دکتر احمدرضا کمری، شما بتازگی تاریخچه ای از چگونگی بوجود آمدن اعلامیه ی جهانی حقوق بشر را در سایتهای اینترنتی منتشر کرده اید. دانستن این تاریخچه، چه کمکی به درک این اعلامیه و اهمیت آن می کند؟

احمدرضا کمره‌ای: با تبریک به مناسبت روز حقوق بشر که روز ۱۰ دسامبر یا همان ۲۰ آذر است، من فکر می کنم که مرور تاریخچه ی بوجود آمدن اعلامیه ی جهانی حقوق بشر به ما کمک می کند که از زمینه، عوامل و شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی جهان در آن موقعی که این اعلامیه بوجود آمده و نحوه ی تهیه و تدوینش آگاهی پیدا کنیم. این خود باعث می شود که ما برداشت یا قضاوتی صحیح یا صحیح تری نسبت به متن اعلامیه و اهمیت آن داشته باشیم.

در نهایت اعلامیه ی جهانی حقوق بشر با ۴۸ رای موافق، منجمله ایران، ۸ رای ممتنع و بدون هیچ رای مخالف به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

ک.ق: ممکن است لطفا بطور اختصار برای ما بگویید که چه شرایطی بوده که انسانها به فکر تدوین چنین اعلامیه ای افتاده اند؟ احمدرضا کمره‌ای: بعد از جنگ جهانی دوم و به جای گذاشتن خساراتی وحشتناک، ۵۵ میلیون کشته و ۸ میلیون زخمی، بسیاری از شهرها و کشورها و بسیاری از رهبران و مردم جهان را در آن زمان به این فکر واداشت که باید سازمانی برای صلح جهانی و

حفاظت از حقوق انسانها را تاسیس کنند که همین سازمان ملل کنونی ست. یکی از اولین اقدامات سازمان ملل تاسیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بود که البته مهمترین وظیفه ی آن تهیه اسناد حقوق بشر از قبیل اعلامیه و میثاقها است. کمیسیون حقوق بشری که تشکیل شد ۱۸ عضو داشت و یک هیات مدیره ی ۴ نفری و بعلاوه ی رییس بخش حقوق بشر دبیرخانه ی سازمان ملل. اینها وقتی شروع کردند به تهیه و تدوین اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، این تدوین در ۸ مرحله انجام شد. از ژانویه ۱۹۴۷ تا دسامبر ۱۹۴۸.

ک.ق: آقای کمره‌ای، نکته ی اصلی ای که در این تاریخچه توجه به آن برای ایرانیان لازم است، به نظر شما چیست؟

احمدرضا کمره‌ای: چند نکته وجود دارد. یکی اینکه، تهیه و تدوین اعلامیه ی حقوق بشر که مقدم است و شامل ۳۰ ماده است، که وقتی تایپ شود بیش از ۴ الی ۳ صفحه نمی شود، ۲ سال بطول انجامیده و ۱۲۳۳ بار رای گیری درباره ی آن انجام شده است. در نهایت اعلامیه ی جهانی حقوق بشر با ۴۸ رای موافق، منجمله ایران، ۸ رای ممتنع و بدون هیچ رای مخالف به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. شما اگر متن، روح و مفاد این اعلامیه را در نظر بگیرید، می بینید که این اعلامیه نتیجه ی عقل جمعی و خرد جمعی جهان است. نکته ی دوم اینکه، این اعلامیه ی جهانی بعنوان مهمترین سندی که در طول تاریخ بوجود آمده، تهیه و تدوینش تحت نظر یک زن انجام شده است. خانم روزولت که باعث افتخار زنان جهان است و از اینرو زنان ایران نیز باید به خود مفتخر باشند و بدانند که فعالیت یک زن چه دستاوردی برای تمام انسانها داشته است. نکته ی دیگری که در اینجا مطرح است، این است که از سال ۱۹۴۸ که اعلامیه ی جهانی حقوق بشر بوجود آمده، ۷ کشور از آن ۸ کشوری که رای ممتنع به این اعلامیه داده اند نظامهای حکومتی شان بطور کلی دگرگون شده، ولی مفاد و روح اعلامیه جهانی حقوق بشر در قوانین اساسی ۲۶ کشور دیگر منعکس شده است. زیباست که وقتی شما قوانین اساسی این کشورهای مختلف را می خوانید، اهمیت این اعلامیه را بوضوح در آن می بینید. علاوه بر این اعلامیه ۲ میثاق، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و فرهنگی که لازم الاجرا هستند، سازمان ملل تصویب کرده است. این دو میثاق در سال ۱۳۵۴ خورشیدی به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا وقت ایران رسیده است. و از این نظر، از نظر حقوق داخلی ایران، این دو میثاق جنبه ی قانونی پیدا کرده اند. خلاصه اینکه سازمان ملل اعلامیه ی حقوق بشر را به بیش از ۳۰۰ زبان، من جمله زبان

باشد، چون نمی توانند بر طبق ماده ی ۳۰ کاری کنند که برخلاف روح و مفاد اعلامیه باشد، این مسئله ی ویژگیهای فرهنگی را بعنوان یک بهانه و سرپوش و فرار از مسئولیتی که این اعلامیه بدوش قدرتمندان می گذارد، پیش کشیده اند. وگرنه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این مسئله را در نظر گرفته است. به نظر من انسان، انسان است، بدون هیچ تبعیض و استثنایی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جهانشمول و فرا زمان است. ک.ق: آقای کمره‌ای آیا توصیه ای برای هموطنان ایرانی مان دارید؟

احمدرضا کمره‌ای: بله، نکته ای که من بسیار مایلم بگویم این است که هموطنان ما به خاطر داشته باشند که روز ۱۰ دسامبر یا ۲۰ آذر، روز حقوق بشر است. اگر این روز را فراموش کردند و اگر جایی اجازه ندادند که روز حقوق بشر جشن گرفته شود یا یادآوری شود و یا اعلامیه جهانی حقوق بشر بازخوانی شود، همان روزی که جایزه ی صلح نوبل اهدا می شود، همان روز، روز حقوق بشر است، همان روزی است که ما همه می توانیم انسانیت را جشن بگیریم. آن هموطنان عزیزمان که وقت نکرده اند اعلامیه جهانی حقوق بشر را مطالعه کنند، از آنها تقاضا می کنم که متن این اعلامیه را یکبار مطالعه کنند. تجربه ی ارزنده ای خواهد بود.

فارسی، ترجمه کرده و ایرانیانی که مایل هستند می توانند به سایت سازمان ملل رجوع کنند و از آن طریق به متن فارسی دسترسی پیدا کنند. سازمان ملل روز ۱۰ دسامبر، یعنی سالروز تصویب اعلامیه ی جهانی حقوق بشر را بعنوان روز حقوق بشر نامگذاری کرد که از حسن اتفاق این روز مصادف با روزی است که هرساله جایزه ی صلح نوبل به برنده اش اهدا می شود و ما نیز در ایران می توانیم این روز حقوق بشر را جشن بگیریم.

علاوه بر این اعلامیه ۲ میثاق، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و فرهنگی که لازم الاجرا هستند، سازمان ملل تصویب کرده است. این دو میثاق در سال ۱۳۵۴ فورشیدی به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا وقت ایران رسیده است. و از این نظر، از نظر حقوق داخلی ایران، این دو میثاق جنبه ی قانونی پیدا کرده اند.

ک.ق: در بحث حقوق بشر، هم اکنون مهمترین مسئله در ارتباط با ویژگیهای فرهنگی ست. گروهی با تکیه بر این ویژگیها می گویند که از حقوق بشر نمی شود بعنوان جهانشمول صحبت کرد. گروه دیگر تاکید می کند که حقوق بشر انسان را بعنوان انسان در نظر می گیرد. شما در برابر نسبییت گرایان چه استدلالی می آورید؟

احمدرضا کمره‌ای: اصلا گردهم آمدن این نخبگان و فلاسفه ی ۵۶ کشور و ۲ سال کار بر روی سند ۴-۳ صفحه ای تنها به این خاطر بوده که بتوانند سندی جهانشمول ایجاد کنند. یعنی عمده ترین مشخصه ی اعلامیه ی حقوق بشر جهانشمول بودن آن است. و گرنه چه اصراری بود که این افراد دور هم جمع شوند و فقط روی یک سند کار کنند. اصلا این وظیفه را کمیسیون شورای اقتصادی - اجتماعی به کمیسیون داده است که سندی جهانشمول ایجاد کنند. باضافه ی نصف تمام نمایندگان که در این کمیسیون بوده اند، یعنی ۵۶ کشور، این نمایندگان از کشورهای آسیایی، خاورمیانه، آفریقا و اروپای شرقی بوده اند. من فکر می کنم که قدرتمندانی که معمولا منافع و مواضعی برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر که می تواند ریشه در تبعیض ها و برتری جویی های نژادی، قومی، مذهبی، جنسیتی با خصوص همراه با خشونت، داشته

کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران منتشر کرده است:

- ۱- "مثل مرده در تابوت"، گزارش کامل ناظران حقوق بشر در ایران - ژوئن ۲۰۰۴ (خرداد ۱۳۸۲)
- ۲- "ماموریت در جمهوری اسلامی"، گزارش کامل آمبسی لیگایو نماینده ویژه سازمان ملل در مورد آزادی عقیده و بیان در ایران
- ۳- مهمترین قراردادهای بین المللی حقوق بشر سازمان ملل
- ۴- متن کامل گزارش سال ۲۰۰۴ سازمان عفو بین المللی در مورد حقوق بشر در ایران
- ۵- متن کامل گزارش سال ۲۰۰۳ سازمان عفو بین المللی در مورد حقوق بشر در ایران
- ۶- متن کامل گزارش سال ۲۰۰۲ سازمان عفو بین المللی در مورد حقوق بشر در ایران
- ۷- متن کامل گزارش سال ۲۰۰۱ سازمان عفو بین المللی در مورد حقوق بشر در ایران
- ۸- نامه ها و بیانیه های کمیته دفاع از حقوق قربانیان قتلهای زنجیره ای
- ۹- متن کامل دفاعیه ناصر زرافشان در دادگاه تجدید نظر

ترجمه: ن. نوریزاده

گزارش کامل ناظران حقوق بشر در مورد ایران

ژوئن ۲۰۰۴ (خرداد ۱۳۸۲) ش ۲ / E



مثل مرده در تابوت

شکنجه، بازداشت و سرکوب مخالفین در ایران

بخش نخست: خلاصه

من فکر میکنم اگر هیچ نوع فشاری روی حکومت نبود و یا هیچ بازرسی و تحقیقی از جانب مجلس (ششم) انجام نمیگرفت و نیز اگر اعضای کمیسیون اصل ۹۰ فعال نبودند، من هنوز یا در زندان بسر میبردیم و یا مرده بودم. من مرده بودم اگر آنها مرا فراموش میکردند.... اگر کسی نام مرا در روزنامه ها نخوانده بود، فریادهایم بی نتیجه بود. من مطمئن هستم اگر اینها نبود من اکنون زنده نبودم. اینک دانشجویانی هستند که در کنج زندان بسر میبرند و در گوشه مکانهای ناشناخته رژیم در حال پوسیدن هستند و کسی از نام آنها با خبر نیست و نمیدانند که آنها در کدام مکان بسر میبرند.... و ما چگونه خواهیم دانست که آنان کجایند؟ حسین. ت فعال

دانشجو و زندانی سیاسی. (۱)

کسی نمیداند که چه تعداد افراد برای بیان مسالمت آمیز نظرات خود در زندانها و بازداشتگاههای ناشناخته در ایران بسر میبرند. در خلال چهار سال گذشته آزار، اذیت و شکنجه افراد مخالف افزایش یافته است و زندانیان در سلول های انفرادی زندان اوین و دیگر مراکز و بازداشتگاههای ناشناخته نگه داشته شده اند. (این موارد) بیانگر بسته شدن فضای باز و آزاد برای ابراز نظر و عقیده مردم است.

در سال ۱۹۹۷، محمد خاتمی به ریاست جمهوری انتخاب شد. در مراننامه و سخنرانیهای او صحبت از حمایت قانون، جامعه مدنی، استقلال روزنامه ها و مجلات وجود داشت و بهمین دلیل نشر مجلات و روزنامه ها رشد و افزایش یافت. در سال ۲۰۰۰ بیشتر مردم از طبقات مختلف با انتخاب نمایندگان اصلاح طلب مجلس که قول داده بودند در مخالفت وضعیت موجود، قوانین جدیدی

وضع کنند، صدای اعتراض خود را بلند کردند و به مجلس جان دوباره ای بخشیدند. روشنفکران، روزنامه نگاران و نویسندگان بعضی از موضوعات مبتلابه جامعه ایران را به نقد کشیدند. در واکنش به این انتقادات، دستگاه قضائیه و نیروهای امنیتی مافوق قانون، همراه با مراکز اطلاعاتی رژیم در جهت سرکوب و خاموش کردن صداها برآمدند.

از آن زمان یعنی آوریل ۲۰۰۰ نشریات مستقل ایران در نتیجه اعمال نهاد رهبری و دستگاه قضائیه بطور کامل سرکوب شدند. (۲) سعید مرتضوی در اولین سال احراز مقام خود به عنوان قاضی دادگاه عمومی شعبه ۱۴۱۰، رهبری سرکوب روزنامه ها و نشریاتی منتقد را بعهدہ گرفت. او بعدها (بعنوان پاداش) به مقام مهم دادستان کل تهران منصوب شد و تا به امروز این مقام را عهده دار است.

همانقدر که ابزارهای نظارت و بررسی (وضعیت حقوق بشر در ایران) از میان رفته است به همان اندازه فطر شکنجه و بد رفتاریها افزایش یافته است. مقامات ایران بواسطه حمله به در صد کوچکی از منتقدین حکومت، قادر شده اند که بفش بسیار بزرگی از روزنامه نگاران، فعالین (سیاسی) و دانشجویان را ساکت کنند.

این گزارش از طرفی در ارتباط با توقیف زنجیره ای مطبوعات که در سال ۲۰۰۰ منجر به بازداشت سیستماتیک روزنامه نگاران، نویسندگان و روشنفکران شد، میباشد و از طرف دیگر چگونگی رفتار با زندانیان سیاسی را نشان میدهد. با توقیف روزنامه ها رفتار با بازداشت شدگان در زندان اوین و بازداشتگاه های ناشناخته سپاه پاسداران و دستگاه قضائیه شدیدتر و وخیم تر گشت. چند تن از اعضای مجلس (ششم) و وکلای مدافع که علیه این سرکوبها اعتراض کرده بودند به دادگاه احضار شدند و تعدادی از آنها نیز روانه زندان گشتند. (به غیر از) چندین (سایت) اینترنتی که در خارج قرار دارند و قادرند که شرایط و وضعیت زندانیان سیاسی را در بازداشتگاه ها منعکس کنند، (صدای دیگری وجود ندارد). توقیف روزنامه ها برای قضات و نیروهای امنیتی مصونیت ایجاد کرده است تا آنان بتوانند هر چه بیشتر قوانین بین المللی حقوق بشر و قوانین کیفری ایران را نقض و لگد مال نمایند.

لباس شخصی های شبه نظامی، انواع مختلف خدمات اطلاعاتی، زندانها و بازداشتگاهها و دادگاه را در اختیار دارند.

این گزارش به نحوه رفتار بازداشت شدگان و تعدادی از بازداشتگاههای ایران استناد میکند. در میان این بازداشتگاهها، زندان اوین با داشتن تعداد زیادی زندانی سیاسی، شناخته شده ترین آنها است. بعلاوه زندانیان (سیاسی) سابق که در این گزارش مورد مصاحبه قرار گرفته اند در مکانهای ناشناخته متعددی در اطراف تهران بازداشت بوده اند. تعداد کل بازداشتگاههای ناشناخته در ایران نامعلوم است اما این گزارش به زندان ۵۹، بازداشتگاه توحید، استناد می کند. همچنین این گزارش به یک مرکز بازجویی بنام "اماکن" می پردازد که از آن برای تهدید و ارباب فعالین سیاسی، نویسندگان و روزنامه نگاران استفاده میشود است.

ترکیبی از شکنجه و بد رفتاری در بازداشتگاه، بستن راههای جبران خسارت (اصلاحات) و سکوت رسانه های خبری جهت روشن شدن افکار عمومی در مورد این تجاوزات، بطور چشمگیری فضای رعب و خصومت آمیزی برای حقوق بشر در ایران بوجود آورده است. این گزارش براساس تجربیات زندانیان سیاسی سابق که با ناظران حقوق بشر مصاحبه کرده اند، تنظیم و ارائه میگردد. همانقدر که ابزارهای نظارت و بررسی (وضعیت حقوق بشر در ایران) از میان رفته است به همان اندازه خطر شکنجه و بد رفتاریها افزایش یافته است. مقامات ایران بواسطه حمله به درصد کوچکی از منتقدین حکومت، قادر شده اند که بخش بسیار بزرگی از روزنامه نگاران، فعالین (سیاسی) و دانشجویان را ساکت کنند. بیشتر کسانی که در سالهای گذشته بعنوان اعتراض لب به سخن گشوده بودند، اکنون ترجیح میدهند که خاموش بمانند. مقامات حکومتی با عملکرد خود موفق شده اند این پیام را به بخش وسیعی از جامعه منتقل کنند که اعتراض سیاسی مسالمت آمیز، بطور تحمل ناپذیری هزینه بالائی برای افراد در بر خواهد داشت.

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت

شخصی دارد. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

مقامات ایران در یک دوره چهارساله توانسته اند صدای واقعی مخالفین سیاسی در سراسر کشور را خاموش کنند. رژیم از روشهای کاربردی و سیستماتیک بازداشت نامحدود زندانیان سیاسی در سلولها و شکنجه بدنی فعالین دانشجویی و نیز امتناع از رعایت حقوق اولیه آنها، استفاده نموده است.

تقریباً انتقاد از سیاست های رژیم در چند سال گذشته بطور چشمگیری در خیابانها، صف خرید از مغازه ها، در تاکسی و در خانه ها افزایش یافته است. اما این انتقادات که روزنامه ها، وب سایتها، بیانیه های اعضاء مجلس (ششم) و اعتراضات قانونی وجود آنها را ثابت نموده، به خاموشی گرائیده است.

بازداشت شدگان سیاسی سابق که در این گزارش مورد مصاحبه قرار گرفته اند، (گفته اند که آنها) را از ابتدائی ترین حقوق در روند دادرسی که شامل حق دستیابی به وکیل، تفهیم رسمی اتهام، تهیه دفاعیه و محاکمه در دادگاه علنی است، منع کرده اند. بیشتر آنها (زندانیان سیاسی) در سلولهای انفرادی کوچک زیرزمینی برای هفته ها و یا ماهها بدون ارتباط با دیگران به جزء بازجویانشان زندانی بوده اند. بعضی از آنها از مراقبتهای پزشکی محروم بودند. قاضیان از اعتراضاتی که در خلال شکنجه و با بد رفتاری و تهدید به ادامه گذراندن مابقی مدت زندان آنها در سلول انفرادی و جریمه و شلاق اخذ میشد، استفاده میکردند.

کسی نمیداند که چه تعداد افراد برای بیان مسالمت آمیز نظرات خود در زندانها و بازداشتگاههای ناشناخته در ایران بسر میبرند. در فلال چهار سال گذشته آزار، اذیت و شکنجه افراد مخالف افزایش یافته است و زندانیان در سلول های انفرادی زندان اوین و دیگر مراکز و بازداشتگاههای ناشناخته نگه داشته شده اند. (این موارد) بیانگر بسته شدن فضای باز و آزاد برای ابراز نظر و عقیده مردم است.

این گزارش بطور مستند نشان می دهد که دستگاه قضائیه ایران مرکز نقض حقوق بشر است. یک گروه کوچک از قضات که فقط به رهبر (سید علی خامنه ای) پاسخگو هستند، صدای مخالفین را خاموش کرده اند. آنها برای سرکوب ابزارهای گوناگونی مانند،

در جایگاه متولیان این طرح نمی دانیم و طرح رفتارندم را متعلق به همه حامیان این طرح می دانیم و به عنوان قطره ای از اقیانوس بی کران مردم تحول طلب ایران و اندیشمندان و فعالان سیاسی کشور با کنار نهادن کمیته همه پرسی و قرار گرفتن در کنار حامیان این طرح، از اصل شکل گیری گفتمان «رفتارندم ملی در ایران» دفاع می کنیم تا پس از شکل گیری گفتمانی مسلط در میان مردم و نخبگان سیاسی آزادیخواه کشور، گام های بعدی برداشته شود.

علی افشاری، رضا دلبری، ناصر زرافشان، محمد محسن سازگارا، اکبر عطری، مهرانگیر کار، محمد ملکی، عبدالله مومنی،

قانون اساسی جمهوری اسلامی و عملکرد نهادهای برافراشته از آن؛
با اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی مردم در تضاد است



کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران
 Committee for the Defense of Human Rights in Iran

همه پرسی (رفتارندم)، آری

هموطنان:

برای تحقق اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد که تضمین کننده آزادیهای فردی و اجتماعی مردم است، برای تحقق اراده آزاد ملت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود که اصول کلی آنها در دو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد به صراحت ذکر شده است، برای تحقق الغای نابرابری و تبعیض بویژه تبعیض دینی، عقیدتی و جنسیتی که در میثاق ها و اعلامیه های سازمان ملل از جمله اعلامیه حذف کلیه اشکال تبعیض و تعصبات مذهبی و اعتقادی و نیز در میثاق بین المللی حذف تمام اشکال تبعیض علیه زنان آمده است، برای تحقق الغای شکنجه و مجازاتهای غیر انسانی که در ایران بعنوان حدود و تعزیرات اعمال میشود و نیز جهت رعایت اصول میثاق بین المللی ضد شکنجه و رفتار و مجازات خشن و غیر انسانی و تحقیر کننده سازمان ملل متحد، برای تحقق و مقابله با روسپیگری و روسپیگری شرعی (صبغه) و بقیه در صفحه ۹

فراخوان ملی برگزاری رفتارندم



تجربه بیست و شش سال گذشته و دهها مصیبت کوچک و بزرگی که بر سر مردم ایران آمده و تحقیر ملت و انزوای سیاسی ایران را در پی داشته نشان میدهد که تنها یک راه قطعی برای رفع این بحران و رهائی ملت رنجیده ایران وجود دارد:

شکل گیری حکومتی دموکراتیک مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، حکومتی که با تکیه بر آرای اکثریت ملت و بر اساس حفظ تمامیت ارضی و منافع ملی و ایجاد روابط مسالمت آمیز با جامعه جهانی و تکیه بر ارزش های فرهنگی و اقتصادی ایران بتواند کشور را به ساحل نجات رهنمون شود. برای دستیابی به این مهم، تدوین قانون اساسی نوین و تعیین نظام دلخواه گام اول و حیاتی است. بخصوص تجربه هشت سال گذشته نشان میدهد که با وجود قانون اساسی و ساختار کنونی، امکان اصلاح کشور در هیچ جهتی متصور نیست. بنابراین، از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی و عملکرد نهادهای برخاسته از آن:

با اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی مردم در تضاد بنیادین است به نابرابری حقوقی میان شهروندان ایران رسمیت بخشیده، تبعیض دینی و مذهبی، عقیدتی و جنسیتی را قانونی کرده و با حکومت استبداد دینی از ملت ایران عملاً سلب حق حاکمیت کرده است سد بزرگی در برابر پیشرفت در تمام زمینه ها، از جمله توسعه اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی در ایران فراهم کرده است و مانع پیوستن ایران به اردوی جهان آزاد و طبعاً از بین رفتن منافع کشور در مناسبات دیپلماتیک شده است

ما امضاء کنندگان این فراخوان خواهان برگزاری یک همه پرسی با نظارت نهادهای بین المللی برای تشکیل مجلس موسسان به منظور تدوین پیش نویس یک قانون اساسی نوین، مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های الحاقی آن، با رای آزاد مردم هستیم. از تمام هموطنان شریف، میهن دوست و ترقی خواه تقاضا داریم با امضای این فراخوان، صدای ملت ایران را محکم و استوار به گوش جهانیان برسانند. اکنون که فاز اولیه گفتمانی طرح رفتارندم با حمایت مردم و جمع وسیعی از فعالان سیاسی و روشنفکران ملی و آزادیخواه آغاز شده است، به هیچ عنوان خود را